



تأثیر رفاه اجتماعی در توسعه پایدار از منظر حقوق عمومی

بابک عطای شیخ^۱، ابوالفضل رنجبری^۲، محمد محمدزاده اصل^۳، میرسجاد سیدموسوی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰

چکیده

توسعه پایدار با هدف برطرف کردن احتیاجات انسانی و بهبود کیفیت زندگی به عنوان قالب مناسب برای نگرش به نحوه بهره برداری از منابع با عنصر استمرار و پایداری در تامین رفاه انسان فعلی بدون آسیب رسانی به توانایی نسلهای بعدی در برآوردن رفاه خود تعریف می شود. در این مقوله، حقوق عمومی بعنوان قاعده آمره با شفاف سازی در عمل حکمرانی و ایجاد یک نظم حقوقی در تامین رفاه اجتماعی، عدالت توزیعی، ایجاد پدیده مشارکت بین دولت و جامعه و حفظ محیط زیست ایفای نقش می کند. هدف این پژوهش بررسی رفاه اجتماعی در توسعه پایدار از منظر حقوق عمومی است که با روش کتابخانه ای و تحقیق توصیفی - تحلیلی انجام و سعی شده به این پرسش پاسخ داده شود حقوق رفاه اجتماعی در توسعه پایدار به چه ترتیبی بوده و با چه مدلی می توان حقوق رفاه اجتماعی را در ابعاد توسعه پایدار مطرح کرد. در این بررسی حقوق رفاه اجتماعی در توسعه پایدار ناشی از تعهد فوری دولت به تامین حداقل حقوق رفاه اجتماعی بصورت پایدار و حق انتخاب آزاد عموم برای استفاده از کالاهای اولیه و تبدیل آن به رفاه اجتماعی است که با اتخاذ تدابیر حقوقی، همیاری دولت و جامعه، شرایط و امکانات در دسترس این تعهد روبه تزیاید است. این نظم حقوقی در توسعه پایدار خود را تحت مدل محتوایی سه بعدی مطرح می کند.

واژگان کلیدی: حقوق رفاه اجتماعی، توسعه پایدار، حقوق عمومی

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲. گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

a.ranjbari-1348@yahoo.com

۳. گروه حقوق عمومی، واحد تسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، تسوج، ایران

۴. گروه علوم پایه، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

مقدمه

توسعه پایدار یک پروژه اجتماعی جهانی برای وارد نمودن برترین ارزشها در سیاست های توسعه است این ارزشها اخلاقی، اجتماعی، بشردوستانه و ماهیتاً حقوقی هستند (میرعباسی، ۱۳۹۵: ۱۹۶). علت اصلی توجه روز افزون به سیاستهای توسعه پایدار محدود بودن امکانات، نامحدود بودن نیازها و خواستههای بشری است (زاهدی، ۱۳۹۸: ۵). توسعه پایدار با هدف برطرف کردن احتیاجات انسانی و بهبود کیفیت زندگی به عنوان قالب مناسب برای نگرش به نحوه بهره برداری از منابع و ایجاد رابطه متعادل و متوازن بین انسان و طبیعت محسوب می شود (اخباری، ۱۳۹۴: ۳۶). بر این اساس توسعه متوازن به هدف غایی و نهایی تمامی سیاست مداران و برنامه ریزان کشورها تبدیل شده است (شانکار و شاه، ۲۰۱۳: ۲). کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، توسعه پایدار را به عنوان فرآیندی می داند که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسلهای آینده در برآورده کردن احتیاجات خود تامین می کند (زارعی هدک، ۱۳۹۲: ۲۱). به نظر می رسد در جهانی که به سرعت در حال تغییر است و دارای منابع محدود می باشد توسعه پایداری می تواند رفاه و آزادی را برای انسانها و حفظ منابع طبیعی را به خانه مشترک آنها به ارمغان آورد (زاهدی، ۱۳۹۵: ۳۸). از طرف دیگر رفاه اجتماعی در جستجوی تحقق یافتن هر آن چه است که آسایش و راحتی عموم و دست یافتن به زندگی مناسب را فراهم می کند همین مفاهیم را می توان به عنوان پیش فرض های توسعه پایدار دانست (فرج پور، ۱۳۹۷: ۳۲). به عبارت دیگر توسعه پایدار به معنای تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثر سازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب رسانی به توانایی نسل های بعدی برای بر آوردن نیازهای خودشان است (زاهدی، ۱۳۹۸: ۲۲). در اینجا توسعه پایدار به صورت افزایش مستمر یا حداقل حفظ رفاه انسان در طول زمان تفسیر می شود و مفهوم امکان بقاء را در خود جای می دهد که حداقل سطح رفاه را مشخص می نماید که پایین تر از آن سطح امکان ادامه حیات ندارد (زاهدی، ۱۳۹۸: ۳۸۹). بنابراین دارای یک عنصر استمرار و پایداری در تأمین رفاه افراد و عنصر امکان بقا است (آریا پارسا، ۱۳۹۳: ۱۷۴). در این حوزه حقوق رفاهی و یا حق های اجتماعی و اقتصادی دسته ای بسیار مهم از حق های بشری را تشکیل می دهد، تحقق حقوق رفاهی از آن جهت که به خودی خود به فراهم آوردن زمینه های یک زندگی مطلوب برای انسانها و افزایش دامنه انتخاب آنها کمک می کند مفید می باشد و از طریق توانمند ساختن انسانها و کمک به افزایش سرمایه انسانی نیز به فرایند توسعه یاری می رسانند (زارعی هدک، ۱۳۹۳: ۹۸). با توجه به تعریف کمیسیون از توسعه پایدار حاکی از آن است که اهداف توسعه پایدار بایستی در هر کشوری به طور عملیاتی و خاص آن کشور تعریف شود (زارعی هدک، ۱۳۹۳: ۲۱). که مستلزم قوانین، حکومت قانون و مشوق هایی است که افراد را تشویق به حرکت به سمت رفتارهای توسعه پایدار می کند (کمالی یحیی، ۱۳۹۱: ۴۴). و بر شفافیت عمل حکمرانی که لازمه توسعه پایدار است نظارت دارد بنابراین در هر جامعه انسانی مجموعه ای از قواعد و مقررات را می توان یافت که بر شکل گیری، سازوکار و کارکرد قدرت مرکزی

¹ Shankar & Shah

در آن جامعه حاکم است (لاگلین، ۱۳۹۵: ۱۱). در این میان حقوق عمومی حقوق گونه ای از روابط اجتماعی میان اشخاص صاحب قدرت و فرمانبران است (قاضی، ۱۳۷۵: ۲۲). و آن را می توان مجموعه ای از مقررات، احکام، اصول، قواعد، عرف ها، رسوم و روش ها دانست که عمل حکمرانی را مقید و حفظ می کند (قاضی، ۱۳۷۵: ۹۳). به نظر می رسد حقوق عمومی با استفاده از ابزارهای حقوقی خود در تنظیم حقوق رفاه اجتماعی دخیل می باشد. همچنین توسعه متناسب و پایدار مستلزم حکمرانی مبتنی بر پایداری و استقرار حکمرانی مبتنی بر پایداری نیازمند ایجاد تعادل در هر سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و بوم شناختی است (زاهدی، ۱۳۹۱: ۱). و توسعه پایدار زمانی کارآمد است که رفاه اجتماعی و خاصه رفاه شهروندی را در خود پیروراند (فرج پور، ۱۳۹۷: ۳۲). چون رفاه در مفهوم وسیع آن، نظامی است که نیازهای اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی افراد، خانواده ها، نهادها و اجتماعات آن ها را در بر می گیرد (برهم^۱، ۲۰۰۳: ۲۶). در این بررسی سعی شده است با روش کتابخانه ای و تحقیق توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود که حقوق رفاه اجتماعی در توسعه پایدار به چه ترتیبی بوده و با چه مدلی می توان حقوق رفاه اجتماعی را در ابعاد توسعه پایدار بیان کرد. با توجه به این سوال می توان این فرضیه را بیان داشت که رفاه اجتماعی در توسعه پایدار متأثر از تعهد دولت در تأمین حداقل حق های رفاهی بصورت فوری، پایدار و حق آزادی انتخاب برای عموم در راستای تزیید رفاه اجتماعی بصورت متعادل و متوازن تحت مدل محتوایی سه بعدی است.

۱- رفاه اجتماعی در ابعاد توسعه پایدار:

ابعاد توسعه پایدار شامل بعد اقتصادی-اجتماعی یا همان رفاه اجتماعی، زیست محیطی و سیاسی است. بطوری که بعد رفاه اجتماعی به تعالی رفاه فردی و جامعه توجه دارد بعد زیست محیطی به رابطه طبیعت و انسان عنایت دارد و بعد سیاسی به تنظیم وضعیت و شرایط لازم برای تلفیق اهداف اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی با ایجاد رابطه مبادله بین آنها برای رسیدن به توسعه پایدار می پردازد. (زاهدی، ۱۳۹۸: ۳۶) این ابعاد بیانگر تنظیم این الزام برای دولت ها است، زمانی که توسعه می تواند زیان چشمگیری به محیط زیست یا جوامع وارد کند دولت ها مکلفند از وارد آمدن این ضرر جلوگیری کنند یا عواقب آن را تا حد ممکن کاهش دهند (میرعباسی، ۱۳۹۵: ۱۳۹). در بیشتر قانون گذاری های داخلی نیز سعی شده است به این موضوع اهمیت زیادی داده شود و دولتها در پی آن هستند تا نگرانی های اجتماعی و زیست محیطی خود را در فرایند قانون گذاری های خود وارد نمایند (میرعباسی، ۱۳۹۵: ۱۴۴). در توسعه پایدار ضرورت احترام به حقوق بنیادین از جمله حقوق رفاه اجتماعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این الزام نباید به صرف اعلام حقوق اکتفا نمود بلکه این حقوق به صورت مؤثر به اجرا درمی آید و اجرای آن نیز در زمان، پایدار می باشد (میرعباسی، ۱۳۹۵: ۱۹۶). بطوریکه در طول زمان بصورت پایدار موجب تقسیم عادلانه فرصتهای توسعه بین نسل های کنونی و آینده، قدرت بخشیدن به مردم، حمایت و توجه به همه حقوق انسانی اعم از حقوق سیاسی، حقوق اقتصادی، حقوق اجتماعی در تمام

¹ Brehm

سطوح جامعه است (زاهدی، ۱۳۹۸: ۲۰). به نظر می‌رسد در توسعه پایدار دولت‌های ایجاد کننده نظم حقوقی لازم است قدرت حقوقی پایداری رادر حوزه‌های رفاه اجتماعی، زیست محیطی و سیاسی شامل حقوق رفاه اجتماعی پایدار، حقوق زیست محیطی پایدار و حقوق سیاسی پایدار که از شاخه‌های حقوق عمومی است بصورت تعهد فوری حداقل و بتدریج رو به تزاید تأسیس و به افراد جامعه اعطا نمایند تا از طریق دادخواهی حقوقی، خواستار اعمال ضمانت اجرایی در پاسخ به عدم اجرای تعهد گردد و در نهایت این عمل منجر به شفافیت در حکمرانی خواهد شد که از الزامات توسعه پایدار می‌باشد. در این راستا لازم است به بررسی قدرت حقوقی پایدار که متشکل از حقوق‌های سیاسی، زیست محیطی و رفاه اجتماعی است و رابطه آنها با هم در توسعه پایدار پرداخته شود.

۱-۱- حقوق سیاسی پایدار در رفاه اجتماعی:

حقوق سیاسی ومدنی این فرصت برای مردم ایجاد می‌کند تا دولت را متوجه به نیازهای عام نمایند و اقدامات عمومی متناسب با آن را خواستار شوند. در این مرحله است که اعمال حقوق سیاسی مانند رأی دادن، انتقاد کردن، اعتراض کردن و غیره تأثیر چشمگیری در جلب نظر دولت مردان دارد (زارعی هدک، ۱۳۹۲: ۸۷). بنابراین مشارکت عمومی سبب شنیده شدن صدای همه در مراکز تصمیم‌گیری می‌شود. مشارکت واقعی توانایی و فرصت تأثیرگذاری بر روی فرآیند تصمیم‌گیری عمومی است که مستلزم یک درگیری فعال و مداوم است. مشارکت شهروندان و ذینفع‌ها موجب می‌شود که دولت‌ها بتوانند با رعایت نیازها و احتیاجات گروه‌های ذینفع دست به انتخاب آگاهانه بزنند و در این راستا نیز گروه‌های مزبور بتوانند از حقوق خودشان محافظت نمایند (رمضانی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). قطعنامه ۱۹۹۹/۵۷ با عنوان تقویت حق بر دموکراسی نشان می‌دهد که حق بر دموکراسی به طور ذاتی با حق‌های تثبیت شده در میثاق حق‌های مدنی و سیاسی در پیوند است در نتیجه این به هم پیوستگی‌های متقابل، حق‌های دموکراتیک تبدیل به پیش‌نیازهای اجرایی کردن حق‌های رفاه اجتماعی و حق‌های زیست محیطی می‌شوند (حجار لیب، ۱۳۹۹: ۲۰۵) و چنانچه شهروندان نتوانند از محل یک نظام رأی‌دهی شفاف و دیگر سازوکارهای دموکراتیک در حیات سیاسی کشورشان مشارکت کنند این امکان برای آنها وجود نخواهد داشت که درباره تصویب و اجرایی کردن قوانین و سیاست‌ها اظهار نظر نمایند (حجار لیب، ۱۳۹۹: ۲۰۶). در نهایت حقوق سیاسی و مدنی این فرصت را به مردم می‌دهد که توجه دولت را به نیازهای عام معطوف و خواستار اقدامات عمومی مناسب با آن شوند. از این رو مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری از طریق تشکیل احزاب، سازمانها و نهادهای غیر دولتی، مطبوعات، مراکز فرهنگی و هنری و دسترسی به اینترنت به منزله ایجاد فرصت‌هایی برای جلب توجه سیاست‌گذاران جهت شکل‌گیری اندیشه برای اولویت بندی نیازها می‌باشد زیرا در توسعه پایدار با توجه به محدودیت منابع در مقابل کثرت نیازها لازم است که نیازها مخصوصاً نیازهای رفاهی اولویت بندی شود که این عمل از طریق مشارکت مدنی بعنوان یک فرصت در توسعه پایدار انجام می‌شود. وجود این فرصتها و استفاده مناسب از آنها بیانگر میزان آزادی‌های سیاسی و در نتیجه سطح توانمندی افراد برای انتخاب نوع زندگی مطلوب است که از ابعاد توسعه به تعبیر سن می‌باشد (مومنی، ۱۳۹۰: ۴۸). همچنین حقوق مدنی و سیاسی از جمله آزادی

بیان و گفتگو نه تنها در انگیزش عکس العمل های اجتماعی در مقابل نیازهای اقتصادی نقش مهمی دارد بلکه در شکل گیری اندیشه این نیازها نیز بسیار مؤثر است (زارعی هدک، ۱۳۹۲: ۸۴). بنابراین با مشارکت مردم در فرآیند تصمیم گیری از طرق دموکراتیک و حقوق مدنی و سیاسی از جمله آزادی بیان و گفتگو، آزادی رسانه ها، وجود احزاب و نهادهای داوطلبانه مردمی منجر به شکل گیری اندیشه نیاز عمومی برای اولویت بندی نیازهای رفاه اجتماعی نسل کنونی و آینده در توسعه پایدار است.

۱-۲- حقوق زیست محیطی پایدار در رفاه اجتماعی:

محیط زیست عبارت است از مجموعه عوامل فیزیکی، شیمیایی و زنده ای که در پیرامون ارگانسیم یا اکوسیستم قرار دارند و بر آن تاثیرگذار هستند (حجارلیب، ۱۳۹۹: ۲۲). بین توسعه پایدار و محیط زیست یک رابطه متقابل وجود دارد، محیط زیست زمینه و بستر مناسب برای توسعه را فراهم می سازد و توسعه پایدار عامل مهمی در حفظ و نگهداری محیط زیست می باشد. اثر این رابطه متقابل ایجاد رفاه و ارتقای کیفیت زندگی انسان چه در حال و چه در آینده است (آریا پارسا، ۱۳۹۳: ۱۷۷). بایده این موضوع توجه داشت که فقر شدید و ثروت هردو اثر زیان باری بر بهبود محیط زیست دارند. مردمانی که در کشورهای فقیر زندگی می کنند برای بر آوردن نیازهای اساسی زندگی خود نظیر آب و غذا مستقیماً بر طبیعت پیرامون خود اتکا دارند در نتیجه تخریب محیط زیست تعدی به حق های اساسی زندگی و سلامت افراد است و موجب افزایش فقر و ناامیدی آنها می شود. (حجارلیب، ۱۳۹۹: ۳۳). بنابر این دارایی های طبیعی ابزاری برای تامین نیازها و رفاه عمومی می باشد (حجارلیب، ۱۳۹۹: ۳۷). بطوری که در اعلامیه دهلی نو ۲۰۰۲ دولتها مکلف به مدیریت منابع طبیعی سرزمینی یا تحت قلمرو ملی خود به روش عقلانی و پایدار با در نظر گرفتن توسعه ملت ها، توجه به حقوق مردم بومی، استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست شده اند (دبیری، ۱۳۸۸: ۴). براین اساس از اصول حاکم بر رابطه حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار می توان به محور بودن انسان اشاره کرد که محیط زیست و نگهداری از آن و توسعه به عنوان وسایلی در جهت رسیدن انسان به تکامل و سعادت واقعی تلقی گردیده است و هر یک از عوامل محیط زیست و توسعه در راستای ارتقای سطح زندگی انسان و تکامل او به کار گرفته می شود (آریا پارسا، ۱۳۹۳: ۱۸۱). حق به محیط زیست به عنوان بخشی از حق حیات، حق به بهداشت و حق به هوای سالم مورد توجه قرار گرفته و بطور عمده از نسل اول حقوق بشر (زارعی هدک، ۱۳۹۲: ۱۲۳) و اکثراً از حق های رفاه اجتماعی محسوب می شوند.

۱-۳- حقوق رفاه اجتماعی در توسعه پایدار:

واژه رفاه اجتماعی^۱ ترکیبی از دو کلمه رفاه و اجتماع است کلمه رفاه اشاره به حالتی از سلامتی، شادی، سعادت و خوب بودن و مساعدت به ویژه به صورت پول، غذا و دیگر مایحتاج ضروری که به نیاز مندان ارائه می شود دارد. (فرج

^۱ Social welfare

پور، ۱۳۹۷: ۲۵). عبارت رفاه اجتماعی زاده تحولات و مناسبات اقتصادی و اجتماعی قرن نوزده اروپا به بعد است اما برخی به خصوص مورخان تلاش می‌کنند این عبارت را به یک امر تاریخی منتسب کنند. کینز معتقد است حقوق رومی و حقوق مدنی کلیسائیدیشه‌هایی در خصوص نوعی رفاه برتر از حد تعلقات محلی عرضه می‌داشتند و این دلیل اصلی برقراری نهاد سلطنت تامین رفاه عمومی بوده است (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۴). جرمی بنتام رفاه اجتماعی را نوعی تراکم ساده و مکانیکی از رفاه‌های فردی می‌داند به نظر وی رفاه اجتماعی با بهرمندی اجتماعی و حداکثر خیر و خوشبختی برای حداکثر آحاد مردم برابر است. (زاهدی، ۱۳۸۸: ۱۱۵) از دیگر نظریه‌ها در زمینه رفاه اجتماعی می‌توان به گیدنز^۱ اشاره نمود که طرفدار نوعی نظام رفاه مثبت است که بر مفهوم او از سیاست زندگی بنیان دارد بدین معنا که هر چند دولت رفاه به مردم کمک می‌کند تا با شرایط متغیری که پیش بینی پذیر است تطبیق یابند، نظام رفاهی جدید باید مردم را قادر سازد تا در قبال شرایط آینده که پیش بینی پذیر نیست یا نمی‌توان دقیقاً پیشگویی شود زندگی‌های خود را با آگاهی، کنترل بیشتر و فعالانه شکل دهند. (فیتز پتریک، ۱۳۸۵: ۵۳) این نظریه رفاه اجتماعی به نوعی بیان‌کننده حفظ منابع و منافع برای آیندگان می‌باشد که در تعریف فرایند توسعه پایدار به آن اشاره شده است. مفهوم رفاه اجتماعی بر مبنای این درک استوار است که افراد بشر در معرض خطرات غیر قابل اجتنابی هستند، بنابراین به منظور رفع نیازها و تشخیص پتانسیل افراد، باید خطرات بین آنها تقسیم شود. تقسیم خطرات بدان معنی است که هیچ فردی نباید به تنهایی بار یک خطر را به دوش بکشد. در عوض باید بین همه کسانی که تحت پوشش برنامه رفاه اجتماعی هستند تقسیم شود. از طرف دیگر مفهوم ادغام منابع نیز مطرح است. ادغام منابع، اطمینان از آن است که هر کسی که تحت پوشش یک برنامه رفاه اجتماعی است، قادر است از همه قسمت‌های برنامه بهره‌بردار (کاسکه^۲، ۲۰۰۵: ۹۱). به هر حال این مفهوم چند بعدی و دارای مفهوم عام و خاص است که مفهوم عام رفاه اجتماعی عناوینی نظیر خدمات اجتماعی، حقوق عمومی و شهروندی را یادآوری می‌کند و دارای دو بعد مادی و معنوی است. بعد مادی بر تامین نیازهای اساسی، خوراک، پوشاک، شغل، مسکن، بهداشت و درمان تاکید دارد و بعد معنوی نیز مفاهیمی مانند تعلیم و تربیت، ریشه‌کنی جهل و بی‌سوادی، حمایت قانونی از عموم ملت و برخورداری از حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و توجه به خانواده به عنوان مهمترین نهاد اجتماعی را شامل می‌شود (فرج پور، ۱۳۹۷: ۳۱). همچنین در رفاه اجتماعی توجه به شاخص زیست محیطی ضروری (نیاورانی، ۱۳۹۷: ۱۷۷) و حفظ شأن انسانها و مسئولیت‌پذیری جامعه در قبال آن و ارتقای توانمندی کلیت جامعه در عرصه‌های فردی و جمعی از اهداف اساسی آن است. (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱) یکی دیگر از پایه‌های اندیشه در زمینه رفاه اجتماعی، به نظریه اخلاقی دولت هگل باز می‌گردد بر مبنای این نظریه وظیفه اخلاقی دولت حفظ امنیت و ایجاد اعتماد عمومی به کارکردهای جامعه در جهت حفظ منافع یکا یک افراد جامعه است و عدالت نیز در این زمینه نقش به‌سزایی بر عهده دارد و زمانی که عدالت بعد اجتماعی به خود می‌گیرد احساس امنیت و رفاه در افراد جامعه

¹ Keynes

² Giddens

³ Kaske

رو به پایداری می‌رود (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۴). جان رالز^۱ استدلال می‌کند که جامعه‌ای که توزیع منابع در آن عادلانه باشد وضعیت رفاهی بهتری از جامعه‌ای دارد که منابع آن به شکل عادلانه توزیع نمی‌شود. توزیع عادلانه به این معنا است که برای محروم‌ترین افراد بشر مطلوب باشد. بدین ترتیب رفاه اجتماعی مستلزم حذف نابرابری‌های غیر عادلانه است نه حذف صرف نابرابری در جامعه (زاهدی، همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۶) به عقیده او موضوع اصلی عدالت ساختار اساسی جامعه و سازوکاری است که طی آن نهادهای اجتماعی، حقوق و وظایف اساسی در توزیع و چگونگی تقسیم مزایای حاصل از همکاری اجتماعی را تعیین می‌کنند (گرگی، ۱۳۹۰: ۳۵). بر این اساس نیل به عدالت اجتماعی تنها وابسته به وجود نهادها نیست از جمله قوانین و مقررات دموکراتیک بلکه به کارکرد آنها هم بستگی دارد (زارعی هدک، ۱۳۹۲: ۸۸). رالز در توضیح عدالت دواصل کلی را بیان می‌کند که عبارتند از اصل اول، هر شخصی باید از حقی برابر نسبت به گسترده‌ترین نظام کلی آزادی‌های اساسی که با نظام آزادی برای همه سازگار باشد برخوردار گردد. اصل دوم بیان می‌دارد نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید گونه‌ای تنظیم گردند که اولاً بیشترین منفعت را به کم بهره‌مندترین اشخاص برساند به گونه‌ای که با اصل پس انداز عادلانه سازگار باشد. ثانیاً مشاغل و مناصبات گوناگون تحت شرایط حاصله از برابری فرصت‌ها به روی همه باز باشد (گرگی، ۱۳۹۰: ۳۵). در این جا هدف آن است که تخصیص مناسب قدرت بر پایه توانایی افراد در جامعه صورت گیرد و این برابری ممکن است متضمن نوعی تبعیض مثبت باشد یعنی آنان که به واسطه به دنیا آمدن در طبقه پایین کم برخوردار بوده اند باید به نحوی توسط دولت حمایت شوند تا در سطحی برابر در رقابت قرار گیرند (گرگی، ۱۳۹۰: ۳۷). و به آنها احساس عدالت بروز نماید، احساس عدالت یکی از شاخص‌های اصلی رفاه اجتماعی در دنیای امروز می‌باشد. احساس عدالت را در قالب رفاه از دو منظر می‌توان در نظر گرفت از یک بعد در قالب فردی، اجتماعی و سیاسی یعنی عملکرد مسئولین و سازمانها و از زاویه دیگر آن را عدالت توزیعی و رویه‌ای تقسیم بندی می‌کنند. (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۲) این احساس عدالت توزیعی در رفاه اساس توسعه پایدار است یعنی تقسیم عادلانه فرصت‌های توسعه بین نسل‌های کنونی و آینده است. (زاهدی، ۱۳۹۸: ۲۰) منطق عدالت توزیعی بر سه اصل استوار است. اصل مساوات که بیانگر توزیع مساوی منابع و پاداش بین افراد و واحدها است. اصل نیازها که بیان می‌کند منابع و پاداش‌ها باید بر اساس نیازهای افراد یا واحدهای مختلف توزیع گردد. اصل انصاف نیز می‌گوید منابع و پاداش‌ها باید بر اساس میزان مشارکت افراد و یا واحدها توزیع شوند (تورنبلوم و جانسون^۲، ۱۹۸۵: ۲۵۹). جان تیلور^۳ در کتاب میراث جان رالز چنین بیان می‌دارد: برابری عادلانه فرصت‌ها بایستی دارای ماهیتی واقعی از فرصت‌های برابر باشد به این صورت که همه شهروندان باید شانس برابر و مساوی در دستیابی به جایگاه اجتماعی صرف نظر از شرایط و جایگاه اجتماعی شان داشته باشند. برای دستیابی به چنین عدالتی دولت باید از تجمع بیش از اندازه ثروت و دارایی در یکجا جلوگیری به عمل آورد (گرگی، ۱۳۹۰: ۳۶). مهمترین مسئله در بحث عدالت، قابل دفاع ساختن روابط نابرابر

¹ John Rawls

² Tornblom & Jonsson

³ John Taylor

در جامعه است. نابرابری در ثروت، قدرت و شأن اجتماعی به رغم شباهت در استعداد های اکثر افراد واقعیت انکارناپذیر همه جوامع بوده است. باید اذعان نمود که تحقق عدالت سنگ پایه مشروعیت حاکمیت و مبنای توجیه ضرورت وجود دولت تلقی می شود. از طرف دیگر عدالت به افراد استانداردهایی ارائه می دهد تا قضاوت نمایند که آیا نیاز های فردی، اقتصادی، اجتماعی و احساس در محیط اجتماعی که اغلب پیچیده هستند بر آورده می شود. از بعد حقوقی عدالت در تصمیم گیریهای عادلانه جستجو می شود و تصمیمی عادلانه است که بر طبق قانون باشد (هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۴۳). این قوانین و حکومت قانون مشوق هایی است که افراد را تشویق به حرکت به سمت رفتارهای توسعه پایدار می نماید (کمالی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). برابردانستن افراد در مقابل قانون، ایجاد فرصتهای برابر برای همه در قالب توزیع امکانات و منابع بصورت یکسان می تواند زمینه مناسب برای تحقق عدالت در جامعه فراهم سازد که این امر در راستای اصول مبنایی توسعه پایدار است (هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۶۱).

در اعلامیه سانتاکروز دولاسیرا در مورد توسعه پایدار تأکید شده است که رفاه مردم نیازمند تحقق سه هدف است که باهم ارتباط نزدیک دارند شامل رشد اقتصادی همراه با انصاف برای کاهش فقر، توسعه اجتماعی و حکومت دموکراسی است (میر عباسی، ۱۳۹۵: ۱۴۳). در این اعلامیه به رشد اقتصادی همراه با انصاف توجه خاص شده است. اعتقاد به اصل انصاف میان اعضای یک نسل و بین نسل ها یکی از موازین مرکزی تحقق اصل توسعه پایدار است. دولت ها باید به ارتقای توزیع عادلانه منابع میان اعضای نسل حاضر پردازند و نیاز نسل های آینده در تصمیم سازی های راجع به اختصاص منابع را در نظر بگیرند و موظف هستند تا به تدریج فقر را کاهش دهند (میر عباسی، ۱۳۹۵: ۱۷۳). چیرگی برفقر همواره برای دولتهای عدالت گرا به مثابه یک هدف راهبردی مطرح است به همین سبب سیاست ها و برنامه های توسعه تأکید بر توزیع^۱ و برابری^۲ داشته و این قبیل حکومتها به تعدیل فاصله طبقاتی اهتمام می ورزند (حق جو، ۱۳۸۱: ۷۵). پس عدالت توزیعی ناظر به تکالیف دولت در برابر مردم است و چگونگی توزیع مشاغل، مناصب و اموال عمومی را معین می کند در واقع احساس عدالت توزیعی از سوی مردم با انصاف ادراک شده از پیامدها سرو کار دارد به این مفهوم که عدالت توزیعی در اصل بر مبنای اصل مبادله قرار می گیرد. افراد به آنچه با خود به سازمان یا جامعه آورده اند به منزله مبادله ای در قبال آنچه دریافت کرده اند می نگرند (هزار جریبی، ۱۳۹۰: ۴۵). در هر حال تمرکز اصلی عدالت توزیعی بر روی نتایج دریافت شده افراد یا گروه ها نسبت به همدیگر و هدف اصلی آن، توزیع منابع بین آن ها می باشد (چلادورای^۳، ۲۰۰۶: ۱۳). و در نهایت بروز احساس عدالت از جمله پارامترهایی است که نقش برجسته خود را در ایجاد رفاه اجتماعی نشان داده است. از این روتلاش در جهت توزیع عادلانه امکانات در بین کلیه اقشار و مناطق می تواند به احساس برخورداری از رفاه آنها کمک نماید (هزار جریبی، صفری شالی، ۱۳۹۰: ۲۱). رفاه اجتماعی از حیث عملیاتی به منزله تدوین راهکارهای عملی و تعبیه قواعد و سازکارهایی است که بهر مندی از حداقل های

¹ Distribution

² Equality

³ Chelladurai

زندگی با کرامت را برای انسان تأمین می‌کند. (نیاورانی، ۱۳۹۷: ۱۷۷). از نظر سازمان ملل رفاه اجتماعی عبارت است از دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی که تحت نظارت و کمک دولت برای بهزیستی افراد و جامعه انجام می‌شود و سازمان بین‌المللی کار^۱ رفاه اجتماعی را چنین تعریف کرده است، حمایتی که جامعه برای اعضای خود از طریق مجموعه‌ای از اقدامات عمومی ارائه می‌دهد. ژوتینگ پیرامون این تعریف می‌گوید از این تعریف مشخص می‌شود که رفاه اجتماعی محدود به اشکال رسمی و دولت محور حمایت اجتماعی است. (قاسمی، ۱۳۹۲: ۸) رفاه باعث خلق امنیت، احساس آرامش و اطمینان همه‌جانبه نسبت به حال و آینده است از این رو امروزه با شکل گرفتن نهاد های جدید رفاهی توسط دولت می‌توان یادآوری کرد که رفاه اجتماعی تا حد زیادی توسط دولت‌ها برقرار می‌شود و یکی از وظایف اصلی هر دولتی تأمین رفاه شهروندان است (هزار جریبی، صفری شالی، ۱۳۹۰: ۲). رفاه اجتماعی در پی محقق کردن آسایش و راحتی برای عموم و مهیا کردن یک زندگی مناسب است که همین مفاهیم می‌تواند به عنوان فرض‌های اولیه برای توسعه پایدار باشد (فرج پور، ۱۳۹۷: ۳۲). بنابراین رفاه اجتماعی مجموعه اقدامات حمایتی است در راستای توسعه پایدار و همچنین توسعه پایدار دارای یک عنصر استمرار و پایداری در تأمین رفاه افراد و عناصر امکان بقا است (آریا پارسا، ۱۳۹۳: ۱۷۴). در جایگزینی مفهوم رفاه به جای نیاز که به نظر بسیاری از اقتصاددانان با مشکل همراه است، تعریف جدیدی از توسعه پایدار شکل می‌گیرد یعنی توسعه‌ای که رفاه نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسل‌های آینده برای دستیابی به رفاه خود تأمین می‌نماید در اینجا توسعه پایدار را به صورت افزایش مستمر یا حداقل حفظ رفاه انسان در طول زمان تفسیر می‌کند و مفهوم امکان بقاء را در خود جای می‌دهد که حداقل سطح رفاه را مشخص می‌نماید که پایین‌تر از آن سطح امکان ادامه حیات ندارد (زاهدی، ۱۳۹۸: ۳۸).

به موجب نظریه انصاف بین‌النسلی جامعه انسانی مجموعه مشترکی است متشکل از تمام نسل‌ها و هدف جامعه انسانی حمایت از رفاه و آسایش تمامی نسل‌ها است (موسوی، فضل‌الله، ۱۳۹۵: ۱۴۵). بنا بر این فعالیت اصلی حکومت همیشه ابقاء و ارتقای خیر دولت و اتباع آن بوده است. یکی از معانی خیر از دیدگاه مایکل اوکشات^۲ رفاه^۳ می‌باشد که جامع جمیع جهات است. (اوکشات^۴، ۱۹۹۶: ۳۹). امروزه مهمترین فعالیت حکومت، دگرگونی در مدیریت اقتصاد و گسترش رفاه اجتماعی می‌باشد بطوری که هم به رفاه فرد شهروندان و هم به سعادت جمعی ملت توجه دارد (لاگلین، ۱۳۹۵، ۵۹). کاس^۵ که ویژگی رفاه اجتماعی را تحت نظارت قانون می‌داند و افراد در مقابل هر گونه تصمیم دلخواه توسط موسسه رفاه اجتماعی پشتیبانی می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۰). حقوق رفاهی و یا حق‌های اجتماعی و اقتصادی دسته‌ای بسیار مهم از حق‌های بشری را تشکیل می‌دهد. تحقق حقوق رفاهی از آن جهت که به خودی خود به فراهم آوردن زمینه‌های یک زندگی مطلوب برای انسانها و افزایش دامنه انتخاب آنها کمک می‌کنند مفید هستند و از طریق توانمند ساختن

¹ ILO

² Michael Oakeshott

³ Welfare

⁴ Oakeshott

⁵ Kaske

انسانها و کمک به افزایش سرمایه انسانی نیز به فرایند توسعه کمک می نمایند (زارعی هدک، ۱۳۹۳: ۹۸). حقوق رفاهی مانند بسیاری از دیگر انواع حقوق بشر می تواند از طرق مختلف به تسریع فرایند توسعه کمک کند. اما این بدان معنی نیست که رعایت این دسته از حقوق می تواند با تحمل این بار مالی سنگین بر کشورها به تسریع فرایند توسعه کمک نماید. در تخصیص منابع به اعمال این دسته از حقوق باید محاسبات دقیقی نیز منظور گردد تا اعمال آنها مانعی بر سر راه توسعه فراهم نیابد (زارعی هدک، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

۱-۳-۱- حق های رفاهی:

حق های رفاهی را می توان مجموعه ای از تضمینات، حمایت های معیشتی، بهداشتی، آموزشی اطلاق نمود که شهروندان در پرتو مداخله حمایتی دولت ها از آنها بهره مند می شوند. حق های رفاهی گاهی با مداخله حمایتی دولت محقق می شوند ماهیت «حق بر» دارند و از مقوله های حق های مثبت محسوب می شوند و گاهی با عدم مداخله تحدیدی دولت تضمین می گردد ماهیت «حق از» دارد و از مقوله حق های منفی بیان می شوند ولی وجه غالب در حق های رفاهی همانا وجه مطلوبیت مداخله حمایتی دولت است و از مصادیق بارز حق های مثبت ارزیابی می شوند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۹: ۲۵۵). در این راستا مناسب ترین سیستم حمایت از حقوق رفاه اجتماعی در حقوق داخلی مستلزم آرایشی از سازوکارها است این مکانیزم ها عبارتند از قرار گرفتن این حقوق به عنوان هنجارهای بنیادین در سیستم حقوقی ترجیحاً در قانون عالی کشور (قانون اساسی)، سیاستها و قانونگذاری جامع که به این حقوق تأثیر واقعی داده شود، راههای جبران در دسترسی مؤثر قضایی- اداری برای جبران موارد نقض این حقوق، نهادهای مناسب ملی دارای اختیارات و صلاحیت پایش و رسیدگی در مورد حقوق رفاه اجتماعی است (آسیبورن، ۱۳۹۱: ۱۰۸). بنابر این حق بهره مندی از رفاه اجتماعی مبنای راهبردی ملی برای گسترش پوشش رفاه اجتماعی است. (گونکن، ۲۰۰۹: ۲۳۲). اما در این راستا عده ای مخالفتهایی نموده اند که از آن جمله فریدمن معتقد است وظیفه دولت آن نیست که با استفاده از ابزارهای مختلف حداکثر رفاه را برای افراد ایجاد کند بلکه وظیفه او حداکثر کردن آزادی هر کس است که بتواند اهداف رفاهی یا غیررفاهی خود را بر آورده سازد (زارعی هدک، ۱۳۹۲: ۱۰۰). برخی از فیلسوفان معاصر اعتقاد دارند دادن عنوان حق به مطالبات رفاهی در نهایت منجر می شود از قدرت اقتناعی حق ها کاسته شود. اساس این ادعا این است که توسعه قلمرو حق های انسانی برای همه این مجموعه قدرت حق ها را تضعیف خواهد کرد به ویژه آنکه شاید نتوان توجیه نظری و اخلاقی قدرتمندی همسان با حق های مدنی و سیاسی برای مطالبات رفاهی پیدا کرد به نظر می رسد چنین نگرانی و دغدغه در صورت تفسیر حداکثری از محتوای حق های رفاهی بجا باشد اما اگر از گونه ای مطالبه حداقلی دفاع شود حق های رفاهی نیز همانند آزادی های مدنی و سیاسی تضمین کننده کرامت انسان خواهد بود (قاری، ۱۳۸۹: ۲۵۶). شاید بتوان در مورد تعهد دولت نسبت به حق های رفاهی چنین ادعا کرد که تعهد به تأمین حداقل های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعهد به نتیجه فوری

¹ Gunneken

و تعهد نسبت به لایه ای بالاتر از این حداقل ها، تعهد به نتیجه های رو به تزاید که بالطبع به وسیله اتخاذ سیاستها و به کار گیری امکانات در دسترس اعمال می گردند (قاری، ۱۳۸۹: ۲۵۷). در شکل کلی توجیه و شناسایی حقوق رفاه اجتماعی به عنوان یک حق به این دلیل است که اولاً این حقوق یکی از شرایط ضروری بهرمندی کامل از حقوق مدنی و سیاسی می باشد. آرمان های آزادی یا خود گردانی اخلاقی فقط در صورتی معنادار خواهد بود که افراد از درجه امنیت مادی هم برخوردار باشند (کریون متیوسی، ۱۳۸۷: ۳۹). ثانیاً تمام حق های اقتصادی و اجتماعی جهان شمول هستند به این معنا که دست کم به طور بالقوه نسبت به هر انسانی اعمال می شوند، فقط اعمال این حق ها است که به اوضاع و احوال خاصی که فرد خود را در آن می یابد مربوط می شود. بطوریکه بعضی از حق های اقتصادی - اجتماعی نظیر حق بر غذا و مسکن را می توان در برخی اوضاع و احوال از سایر حق های مدنی و سیاسی مانند حق رای مهمتر دانست. (کریون متیوسی، ۱۳۸۷: ۴۱) از طرف دیگر عده ای از دانشمندان اساساً با اجرای حقوق رفاهی به دلیل تاثیرات مخربی که بر سایر ابعاد توسعه مانند توسعه سیاسی یا اقتصادی دارد مخالفند. بطوریکه اگر ما حق هایی را در نظر می گیریم که لازمه اجرای آنها دخالت دولت در امور شخصی افراد است به دولت حق می دهیم تا اهداف شخصی را قربانی اجرای این امر نماید و به این ترتیب آزادی افراد را محدود کند. در واقع این دسته از حقوق مغایر با یک جامعه آزاد و اجرای آنها راهی برای مداخله حکومت های توتالیتر در زندگی شخصی افراد است (زارعی هدک، ۱۳۹۲: ۱۰۱). عده ای دیگر معتقدند حقوق رفاهی و مجموعه مزایای رفاهی که دولت رفاه فراهم می کند انگیزه کار کردن و اشتغال را در افراد تضعیف می کند و باعث می شوند گیرندگان چنین مزایای رایگان و سهل الوصولی در جستجوی کار نباشند و در نتیجه نظام رفاهی موجب استمرار بیکاری و فقر می گردد (گریفن کیت، ۱۳۹۴: ۴۳). بسیاری معتقدند که ارائه تسهیلات اجتماعی صرفاً امور تزیینی و هزینه بر است که تنها دستاورد آن از میان بردن منابع لازم جهت سرمایه گذاری مجدد در فعالیت توسعه ای است و کشور های فقیر چگونه باید این منابع را فراهم کنند. در حقیقت نیاز به منابع در موارد بسیاری به عنوان دلیلی برای به تعویق انداختن سرمایه گذاری های مهم اجتماعی تا زمانی که کشور ثروتمند شود مطرح می کنند. در پاسخ باید گفت خدمات اجتماعی مورد نظر بسیار کاربر هستند به همین دلیل در اقتصاد های فقیر که دستمزد ارزان است این خدمات نسبتاً ارزان تمام می شوند. یک اقتصاد فقیر ممکن است پول کمتری برای تامین بهداشت، درمان و آموزش در اختیار داشته باشد. در مقابل برای ارائه این خدمات در مقایسه با کشور های ثروتمند که باید پول زیادی صرف تامین این فرصت ها کنند به پول کمتری نیاز دارند (زارعی هدک، ۱۳۹۲: ۱۰۲). بنابر این لازم است الگوها و نظریه هایی که در مورد دولت رفاه ارائه شده است بررسی تا با انتخاب الگوی مناسب برای توسعه پایدار، کشورها را در هر سطح و وضعیت اقتصادی باشند بتوان در آن الگوی دولت رفاه قرار داد.

۱-۳-۲- بررسی الگوهای جهانی در تشکیل دولت رفاه:

در جهان امروز دیدگاه های گوناگونی برای دولت رفاه تعریف شده است از آن جمله می توان به موارد مشروحه ذیل

اشاره داشت:

۱-۲-۳-۱- دیدگاه لیبرال رفاه اجتماعی که به یک تعبیر الگوی مورد نظر رژیم هایی مانند آمریکا می باشد. در این دیدگاه دولت نقش چندانی در توزیع ثروت ندارد و سیاست های رفاه در این نظام کمک چندانی به کاهش اختلاف طبقاتی نمی کند. دولت مزایای محدود را ارائه می دهد که آن هم عمدتاً برای گروه هایی است که در فقر مطلق به سر می برند. در این رژیم بخش وسیعی از مزایا و بیمه های اجتماعی کاملاً خصوصی اداره می شوند و هر شهروندی بسته به استطاعت و توان مالی، خود را بیمه می کند و از این خدمات گوناگون برخوردار می شود. بنابر این گروه های مرفه قادر به پرداخت هزینه بیمه ها بوده و از مزایا استفاده می کنند ولی طبقات محروم از این مزایا محروم هستند. پس در جوامعی که دولت رفاه لیبرال در آنها برقرار است دور تسلسل فقر همچنان تداوم دارد.

۱-۲-۳-۲- دیدگاه موسوم به محافظه کاری دموکرات مسیحی که دربرگیرنده دولت های رفاه در آلمان، فرانسه، بلژیک و درجات ضعیف تر ایتالیا و اسپانیا می باشد. در این دیدگاه دولت ها نقش فعالی در ارائه خدمات و کمک هزینه های گوناگون را بر عهده دارند. در این نظام، حقوق اجتماعی برای کلیه شهروندان در نظر گرفته شده است که موجب می شود با برخورداری از مزایای گوناگون همه آحاد جامعه از سطح زندگی نسبتاً شرافتمندانه ای بهره مند شوند. اما هیچ برنامه ای برای کاهش سطح اختلاف طبقاتی در جامعه ندارند و با وابسته کردن سطح مزایای اجتماعی به سطح درآمد ها و یا به طبقات و گروه های گوناگون اجتماعی موجب شده اند که اختلاف طبقاتی در این جوامع پایدار بماند در این نظام، خانواده ها و کلیسا همچنان نقش مهمی در ارائه برخی خدمات اجتماعی بر عهده دارند.

۱-۲-۳-۳- دولت رفاه اسکاندیناوی و یا به اصطلاح دولت رفاه سوسیال دموکراتیک که عمدتاً در آن برای موسسات رفاه و برنامه های مربوط به آن می توان چهار وظیفه متصور شد که عبارتند از وظیفه توان بخشی و درمانی، حمایتی، پیشگیری و وظیفه توسعه ای که نتیجه و حاصل سه وظیفه قبلی است (قاسمی، همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴). اکثر نظام های حکومتی جهان از یکی از این الگوها تبعیت می کنند اما دیدگاه های دیگری نیز در تبیین رفاه اجتماعی در توسعه پایدار می توان متصور شد در تبیین رفاه اجتماعی یکی از دیدگاه ها، دیدگاه همیاری است بر اساس این دیدگاه دولت و جامعه هیچ کدام به طور ذاتی در توسعه مؤثر نیستند. دولت ها، بنگاهها و اجتماعات به تنهایی فاقد منابع لازم برای ترویج توسعه گسترده و پایدار هستند به همین دلیل لازم است هم در درون و هم در ورای بخش های گوناگون پدیده مشارکت شکل بگیرد (قاسمی، همکاران: ۱۳۹۲، ۲۳). هربرت لهن^۱ از صاحب نظران حوزه رفاه اجتماعی می گوید دولت رفاه، دولتی است که در آن مردم آزادند استعداد های فردی خود را پرورش دهند در مقابل زحمات خود پاداش عادلانه دریافت کنند و در پی کسب سعادت و خوشبختی باشند بدون آنکه ترس از گرسنگی، بی مسکنی، یا ستم به دلیل نژاد، عقیده یا رنگ باشد و کول عقیده دارد دولت رفاه جامعه ای است که در آن حداقل سطح زندگی و فرصت تضمین شده در اختیار همه شهروندان قرار می گیرد و شلزینگ دولت رفاه را نظامی می داند که در آن حکومت متعهد می شود سطح معینی از

^۱ Herbert Lehman

اشتغال، درآمد، آموزش، بهداشت، تامین اجتماعی و مسکن را برای همه شهروندان خود فراهم نماید و نیز دولت رفاه بر وجود سیاست های سنجیده و هوشمندانه در زمینه تامین حداقل استاندارد زندگی برای همه و ارتقای برابر در فرصت های زندگی و تمرکز کلیه نهادهای رسمی بر تامین خدمات همگانی دلالت دارد (موسی زاده، ۱۳۸۹: ۶۵). اما باید توجه داشت که حق های اقتصادی و اجتماعی و حق های رفاهی دسته ای از حق ها هستند که دارای ماهیتی است که یا امکان توزیع آنها برای همه وجود ندارد و یا اصولاً ضرورت در اختیار قرار دادن آنها به همگان میسر نمی باشد. در خصوص حق های رفاهی به رغم شناسایی برابری افراد، رفتارها ممکن است نابرابر باشد. در اینجا شناسایی موضوع برابری شهروندان کفایت می نماید نه رفتار برابر با آنها (سید موسوی، ۱۳۹۷: ۲۱۶). بنابر این حق بر حداقل های معیشتی، آموزشی و بهداشتی حق - ادعایی است که لازمه آن وجود متعهد در طرف دیگر است و ماهیت این تعهد، تعهد به نتیجه فوری است. یعنی اینکه طرف متعهد (دولت)، وظیفه فعلیت یافته فوری بر تأمین این حق را دارد (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۹: ۲۶۰). و کرامت انسانی آن گاه حفظ می شود که انسان از حق بر حداقل استاندارد های لازم برای زندگی یا میزان حداقلی از رفاه اجتماعی بهره مند باشد (نیاورانی، ۱۳۹۷: ۱۷۲). بایستی عنایت داشت که حکمرانی مطلوب پیوند نزدیکی با رفاه و کیفیت زندگی جامعه دارد (زاهدی، ۱۳۹۸: ۱۸۸). از طرفی توسعه پایدار به معنای فرایند تغییر تدریجی در کیفیت زندگی انسانهاست. این مفهوم با استفاده از ابزار رشد اقتصادی بر مبنای برابری اجتماعی و تحول شیوه های تولید و الگوی مصرف همراه با ایجاد پایداری در توازن اکولوژیکی و نظام حمایت از زندگی را در بر می گیرد (میر عباسی، ۱۳۹۵: ۹۳). با این اوصاف یکی از کارکردهای مهم در هر حکومتی تأمین رفاه اجتماعی و برخورداری افراد جامعه از مواهب مادی - معیشتی است به گونه ای که از حقوق اولیه افراد جامعه برخورداری از حداقل مواهب زندگی است (حاجی حسینی، ۱۳۸۸: ۸۸). به نظر می رسد در توسعه پایدار دولت مطلوب، دولتی است که به نمایندگی از سوی شهروندان حافظ و تأمین کننده حقوق و آزادی های افراد است. دارایی ها و امکانات دولت در حقیقت دارایی و امکانات تمام شهروندان به حساب می آید. هرگونه تعهد و تکلیف مالی دولت در حقیقت تعهد و تکلیفی مالی بر عهده شهروندان است و دولت دموکراتیک تعهد به تامین امکانات رفاهی را از برآیند ثروت عمومی چه ثروت های حاصل از مالیات ها و ثروت های حاصل از دیگر منابع عمومی تامین خواهد کرد. چنین دولتی را با عنوان دیگری جزء دولت رفاهی نمی توان نامید، دولتی که خود را مسئول حداقل رفاه اعم از اقتصادی، معیشتی و رفاه آموزشی می داند (قاری، ۱۳۸۹: ۳۲۴). از طرفی تأمین و تضمین فراتر از حداقل های رفاهی هم می تواند برای دولت ها در حقیقت گونه ای تعهد به نتیجه رو به تزاید باشد و این چیزی جز فراتر از بیان آرمان های انسانی در این حوزه نیست. آرمانی که در گفتمان حقوق بشری از روی مسامحه با ادبیات و واژگان حق بیان داشته می شود (قاری، ۱۳۸۹: ۲۶۲). با تحقق حق بر حداقل استاندارد های لازم برای زندگی در واقع حق بر حداقل رفاه اجتماعی نیز تحقق می یابد بدین توضیح که دسترسی افراد به غذا، پوشاک، امکانات بهداشتی و مسکن مناسب و همچنین تامین نیاز های اجتماعی در واقع به معنی تحقق رفاه اجتماعی یا میزان حداقلی از آن است (نیاورانی، ۱۳۹۷: ۱۷۲). تحقق حقوق رفاهی مستلزم حداقلی از دخالت دولت در امور شخصی است که با توجه به نتایج

بسیار مهم که دربردارند موجه به نظرمی‌رسد (زارعی هدک، ۱۳۹۲: ۱۰۱). باید توجه داشت که معیار حداقل از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت است و تاحدی زیادی تحت تاثیر ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اقلیمی، زیست محیطی و سایر شرایط تعیین کننده آن جامعه است (نیاورانی، ۱۳۹۷: ۱۷۲). برخورداری از تعدادی از حقوق اقتصادی و اجتماعی لازمه حفظ کرامت انسانی تلقی شده است در برخی از مواقع از چنین حقی به عنوان هسته حداقلی حقوق^۱ یاد شده است (نیاورانی، ۱۳۹۷: ۱۹۸). حق بر حداقل رفاه اجتماعی از نظر حقوقی زمانی محقق می شود که فرد فرد جامعه قادر باشند به مقدار نیاز و کفایت به غذا، مسکن، مراقبت های بهداشتی و درمانی، پوشاک و تامین اجتماعی دسترسی داشته باشند، بدون آنکه در راستای استیفای این حق با مانع مواجه شده و کرامت آنها به زیر سوال برده شود. بر این اساس حداقل رفاه اجتماعی حالت یا وضعیتی است که با تحقق آن نیازهای اساسی افراد در جامعه تامین می شود (نیاورانی، ۱۳۹۷: ۱۷۶). در اینجا یکی از سیاستها و برنامه های حقوقی می تواند استفاده از قوانین و آیین نامه های موقت و دوره ای تبعیض مثبت باشد که با استفاده از امتیازات خاص موقعیت از دست رفته افرادی که مورد تبعیض قرار گرفته اند به آنها بازگردانده شود. اما سن^۲ وجود کالاهای اولیه اساسی^۳ را برای توسعه کافی ندانسته و وجود فضایی که آزادی انتخاب را فراهم ساخته و امکان استفاده از کالاهای اولیه را به وجود آورد مطرح نموده است. وی معتقد است که با گسترش آزادی های اساسی توانمندی استفاده از کالاهای اولیه و تبدیل آن ها به زندگی خوب و مطلوب فراهم شده و در نتیجه فرایند توسعه تکامل یافته و به توسعه پایدار می انجامد (مومنی، ۱۳۹۰: ۴۳). هدف نهایی از توسعه پایدار به عنوان یک قاعده آمره تامین زندگی با کرامت و بارفاه برای بشر است که در آن هر فرد انسانی در کنار بهره بردن از مواهب رشد اقتصادی و حق برداشتن محیط زیست سالم، بتواند از توسعه پایدار اجتماعی و مهمترین مصادیق آن یعنی حق مسکن، اشتغال، تغذیه سالم، خدمات بهداشتی و آموزش بهرمنند گردد (میر عباسی، ۱۳۹۵: ۳۱۸). اکثر این حق ها بعنوان حقوق رفاه اجتماعی از حق های فردی و عدالت پذیر هستند و اجرای آنها را می توان از دادگاه ها تقاضا کرد. بنابراین حقوق رفاه اجتماعی از حق های فرعی متناظر با توسعه زیر چتر حقوق پوششی بنام توسعه پایدار خود را تعریف و بعنوان بازوی اجرایی حقوقی جهت دادرسی در مراجع قضایی ایفای نقش می کند (حجارلیب، ۱۳۹۹، ۱۹۵).

۲- مدل محتوایی حقوقی سه بعدی حکمرانی مبتنی بر پایداری:

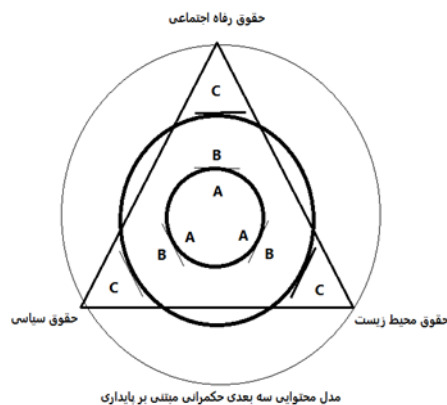
برای توسعه و شکوفایی باید در جامعه مجموعه ای از مناسبات حکمرانی را هر چند ابتدایی و اولیه بوجود آورد (لاگلین، ۱۳۹۵: ۴۵). تا بدینوسیله سیاستگذاری، تنظیم و اجرای قوانین مصوب و خط مشی ها بر اساس آن فراهم شود. در اینجا رویکرد مدبرانه و پر اهمیت که توسط تحلیل گران اتخاذ می گردد، بسیار مهم است. تحلیل های مستقل باید با

¹ Minimum Core

² Sen

³ primary goods

نقطه نظرات گوناگون همراه شوند تا به شیوه ای مشخص علایق آنهایی که ممکن است توسط تصمیم گیری تحت تاثیر قرار بگیرد را بیان کنند. نتایج این فرایند به شکل نوعی از مدل خود را نشان می دهد. پس مدل ها برای تعیین شاخص هایی که اطلاعات اساسی در باره سیستم را ارائه می دهند مورد استفاده قرار می گیرد (باسل، ۱۳۹۲: ۱۲). برای استفاده از این مدل در ترکیب متناسب ابعاد حقوقی توسعه پایدار لازم است به توسعه پایدار با رویکرد حق محور نگریسته شود. در رویکرد توسعه حق محور حرکت از نیازها به حقوق و از کمک خیریه به وظایف را تشویق می کند و همچنین مستلزم تمرکز بیشتر بر پاسخگویی و شفافیت است. تاکید در گفتمان توسعه حق محور اگرچه در عمل هم محقق نشود تقریباً همیشه بر پاسخ گویی دولت ملی به جای تعهدات بین المللی استوار است (حاجی یوسفی، ۱۳۹۸: ۳۲). برای تحقق این عمل در حکمرانی مدلهای متعددی ارائه شده است که از جمله آنها می توان مدل سینس^۱، مدل کیپی^۲ و مدل سه بعدی کلمنز و مدل چهار بعدی حکمرانی مبتنی بر پایداری را می توان نام برد که نمونه ای از آن، مدل محتوایی حکمرانی مبتنی بر پایداری است، این سازوکارهای موثر بعنوان یک مدل می توانند ترکیب متناسب ابعاد حقوقی توسعه پایدار را بیان دارند (زاهدی، ۱۳۹۸: ۱۴۶). در اینجا سعی شده است با الهام از مدل سه بعدی کلمنز و مدل چهار بعدی محتوایی حکمرانی مبتنی بر پایداری مدلی طراحی شود تحت عنوان مدل محتوایی سه بعدی که در آن حقوق رفاه اجتماعی یا حق های اجتماعی - اقتصادی که دسته ای بسیار مهم از حق های بشری را تشکیل می دهند در رأس هرم و در سایر رئوس بعدهای دیگر توسعه پایدار شامل حقوق سیاسی و حقوق زیست محیطی قرار دارد.



شکل ۱: تناسب = حقوق رفاه اجتماعی پایدار + حقوق سیاسی پایدار + حقوق محیط زیست پایدار A

در مدل محتوایی حق محور سه بعدی معیارهای ابعاد توسعه پایدار در حقوق عمومی مبتنی بر حقوق رفاه اجتماعی پایدار، حقوق سیاسی و مدنی پایدار، حقوق محیط زیست پایدار که در استحکام، بقاء، تنظیم و تعادل ابعاد توسعه پایدار ایفاء نقش می نماید. مدل محتوایی حق محور مبتنی بر پایداری بصورت موثر و یکپارچه بر اساس شفافیت در حکمرانی

¹ SCENC
² KIPI

بامقید و حفظ کردن نظارت بر عمل حکمرانی به صورت وظیفه تعهد به فوری تأمین حداقل رفاه به اجراء در می آید و اجرای آن نیز در زمان پایداری باشد (بین نسل کنونی و آینده). می توان شکل‌های متعددی از حداقل ها که از ناپایدار ترین آن که CCC است و کمی به پایداری نزدیک تر شامل CCB، CBB، BBB و... رسم کرد با اتخاذ سیاستها و تدابیر حقوقی و بکارگیری امکانات در دسترس، این تعهد به نتیجه رو به تزاید می‌باشد. که می توان شکل‌های متعددی را بدست آورد که به پایداری قوی نزدیک باشد مانند ABB، AAB و... در نهایت شکل آرمانی توسعه پایدار AAA که موجب ایجاد تناسب و تعادل بین ابعاد حقوق رفاه اجتماعی پایدار و حقوق زیست محیطی پایدار و حقوق سیاسی پایدار در توسعه پایدار را می توان ترسیم کرد.

۳- نتیجه گیری:

بسیاری از صاحب نظران عقیده دارند تحقق حق های رفاه اجتماعی می تواند بار مالی سنگینی را بر کشورها وارد و تأثیرات مخربی بر سایر ابعاد توسعه مانند اقتصادی و سیاسی داشته باشند. همچنین وسعت قلمرو حق های رفاهی از قدرت حق ها کاسته و موجب دخالت دولت و محدودیت در آزادی افراد می شود. از طرفی نیاز به منابع و کمبود آن باعث به تعویق افتادن سرمایه گذاریهای مربوط به رفاه اجتماعی شده است. بایستی به این مقوله توجه داشت که دولت ها مشتاق هستند عناصر بیرون از محتوای اصلی و محوری برنامه های خود را نامفهوم و نامعین به حساب آورند لذا شایسته است به طریقی دولت ها را ترغیب کرد تا تمام جنبه ها و اجزای حق های رفاهی را محقق سازند. این واقعیت که حکمرانی مطلوب پیوند نزدیکی با رفاه و کیفیت زندگی دارد و توسعه پایدار تغییر تدریجی در کیفیت زندگی انسانها است می تواند منشأ توجه به تأثیر رفاه اجتماعی در مقوله حکمرانی مطلوب در توسعه پایدار باشد. بنابر این می توان بر اساس فرضیه بیان شده نتیجه گرفت:

۳-۱- حقوق رفاه اجتماعی در توسعه پایدار از منظر حقوق عمومی فرایند تغییر تدریجی است با عنصر استمرار و پایداری برای تامین حداقل حق های رفاهی بصورت حق های مثبت با دخالت حمایتی حداقلی دولت از طریق روشهای حقوقی مانند قوانین مالیاتی، مالیات آلوده کننده، قوانین و آیین نامه های موقت تبعیض مثبت که به افراد موقعیت از دست رفته آنها را بازگرداند.

۳-۲- تامین و تضمین فراتر از حداقل حق های رفاهی در توسعه پایدار می تواند با تعهد دولت به تامین تدریجی و مستمر و پایدار امکانات و کالاهای اولیه در طول زمان و تعهد به عدم مداخله تحدیدی دولت از مقوله حق های منفی که در آن نسبت به ایجاد فضایی برای آزادی عموم جهت انتخاب کالاهای اولیه و تبدیل آن به زندگی مطلوب و با رفاه و رو به تزایدرا فراهم نماید.

۳-۳- لازمه این فرایند رفاهی پایدار، داشتن یک الگو بنام الگوی دولت رفاه مشارکتی در جامعه است که در آن حقوق عمومی سبب ایجاد یک نظم حقوقی برای همیاری بین دولت و جامعه و نهاد های خصوصی در درون وورای بخش های گوناگون می شود. با تشکیل پدیده مشارکت بین دولت و آحاد جامعه برای بهره برداری پایدار از منابع با رعایت حق بر داشتن محیط زیست سالم و تعهد فوری به ایجاد حداقل رفاه اجتماعی برای جامعه و تعهد رو به تزاید با افزایش تدریجی کالاهای اولیه وامکانات، همگام با ایجاد بستر مناسب برای تعهد به عدم مداخله تحدیدی دولت از جنس حق های منفی که افراد بتواند با آزادی امکان انتخاب کالاهای اولیه و تبدیل آن به زندگی با رفاه رو به تزاید را داشته باشند.

۳-۴- در فرایند توسعه پایدار برای اینکه دولت ترغیب شود به تعهدات خود در مورد حق های رفاه اجتماعی عمل نماید بطوریکه خیلی از محتواهای اصلی و محوری رفاه را نامفهوم و نامعین تلقی نکند و امکان تنظیم و اجرای قوانین مصوب و خط و مشی ها در طول زمان و بصورت پایدار فراهم شود. با یک سازو کار مؤثر و متناسب حقوقی تحت عنوان مدل محتوایی سه بعدی بر اساس سیر پایدار بعدحقوق رفاه اجتماعی متناسب با ابعاد حقوق زیست محیطی و سیاسی و مدنی که از تعهد فوری حداقل رو به تزاید حرکت می کند. این مدل می تواند یک سیستم خود کنترلی پایدار و مستمر برای مجموعه واحد دولت- ملت در اجرای تعهدات از جمله دولت در تامین حداقل رفاه اجتماعی پایدار و فراهم آوردن امکانات و کالاهای اولیه و ایجاد بستر مناسب برای حق انتخاب آزادعموم در استفاده از آنها و تعهد ملت در تبدیل امکانات و کالاهای اولیه به رفاه اجتماعی رو به تزاید متناسب با ابعاد دیگر توسعه پایدار خصوصاً محیط زیست را فراهم نماید.

۴- پیشنهادهای تحقیق :

۴-۱- در برنامه های توسعه لازم است حاکمیت حداقل حق های رفاهی را تعریف و بصورت فوری و از دسته حق های مثبت با دخالت حمایتی دولت تعهد نماید این حق ها بصورت پایدار در طول برنامه های توسعه به حیات خود ادامه دهد.

۴-۲- حقوق رفاه اجتماعی بصورت یک فرایند تدریجی مستمر و پایدار در طول برنامه ها از حداقل رو به تزاید در نظر گرفته شود.

۴-۳- تامین و تضمین رو به تزاید حق های رفاهی در توسعه پایدار بصورت هم زیستی دو تعهد خود را تعریف می کند. تعهد اول، تعهد دولت به تامین تدریجی و مستمر و پایدار امکانات و کالاهای اولیه و عدم مداخله تحدیدی دولت از مقوله حق های منفی نسبت به آزادی عموم جهت انتخاب کالاهای اولیه و تبدیل آن به زندگی مطلوب و تعهد دیگر، تعهد ملت در تبدیل امکانات و کالاهای اولیه به رفاه اجتماعی رو به تزاید است که از این فرایند در امر خصوصی سازی در توسعه پایدار می توان استفاده کرد.

۴-۴- با توجه به محدودیت های مالی دولت ها و کمبود منابع و اهمیت رفاه در کیفیت زندگی در توسعه پایدار پیشنهاد می شود الگوی دولت رفاه مشارکتی بصورت همیاری بین دولت، افراد جامعه و نهاد های خصوصی طراحی شود. تا روند رو به تزاید در رفاه اجتماعی صرفاً مقوله حمایتی محدود به اشکال رسمی و دولت محور نباشد.

۴-۵- یک سازوکار مؤثر و متناسب حقوقی تحت عنوان مدل محتوایی سه بعدی براساس سیر پایدار بعد حقوق رفاه اجتماعی متناسب با ابعاد حقوقی دیگر در توسعه پایدار طراحی شده است که بصورت یک سیستم خودکنترلی، تعهدات مجموعه واحد دولت- ملت را بصورت پایدار در طول زمان ترسیم می کند. این مدل می تواند در حفاظت از محیط زیست در اجرای فرایند رو به تزاید رفاه اجتماعی توسط مردم نظارت و کنترل داشته باشد.

منابع:

- آریا پارسا، آیدا (۱۳۹۳)، **حقوق محیط زیست و توسعه پایدار**، چاپ اول، تهران: خرسندی.
- اخباری، محمد، غم پرور، احمد، بزله، محمد (۱۳۹۴)، تبیین توسعه پایدار سیاسی، مطالعه موردی: ایران، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، ۱۱(۳)، ۵۸-۳۳
- ایده، آسیورن، و همکاران (۱۳۹۱)، **حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی**، ترجمه اردشیر امیر ارجمندی و همکاران، چاپ دوم، تهران: مجد
- باسل، هارتمت (۱۳۹۲)، **شاخص های توسعه پایدار، اصول، مفاهیم و نظریه ها**، ترجمه کریم نادری مهدی و همکاران، چاپ اول، همدان: سپهر دانش
- تحقیقی در مجله هاروارد (۱۳۹۵)، **حقوق بین المللی محیط زیست**، ترجمه سید فضل اله موسوی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- حاجی حسینی، حسن (۱۳۸۸)، جایگاه عدالت و توسعه در کار ویژه های دولت دینی، **مجله معرفت**، ۱۸(۱۴۵)، ۹۶-۷۵
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، غائبی، رضا (۱۳۹۸)، مفهوم حق توسعه در روابط بین المللی از نگاه نظریه پسا استعماری، **فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی**، ۶(۴)، ۴۰-۷
- حجارلیب، لیندا (۱۳۹۹)، **حقوق بشر و محیط زیست دور نمایی فلسفی، نظری و حقوقی**، ترجمه رضا امینی، چاپ دوم، تهران: نشر سمت.
- حق جو، داود (۱۳۸۱)، رفاه اجتماعی و توسعه (مروری بر کارکرد برخی نهادهای حمایتی)، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، ۲(۶)، ۹۶-۷۵
- دبیری، فرهاد، پور هاشمی، سید عباس، روستا، فخرالضحی (۱۳۸۸)، بررسی اصول و مفاهیم حقوق بین المللی محیط زیست بانگاهی به توسعه پایدار، **مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست**، ۱۱(۳)، ۲۲۵-۲۱۳

- رضوانی قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۹۳)، اقتصادسبزی: گامی به سوی تحقق توسعه پایدار در حقوق بین المللی محیط زیست، **دو فصلنامه حقوق اقتصادی**، ۲۱(۶)، ۱۳۱-۱۱۴
- زارعی هدک، محمد، معصومه (۱۳۹۲)، **حقوق بشر، توسعه پایدار**، چاپ اول، تهران: نشر کتاب آوا.
- زاهدی، شمس السادات (۱۳۹۸)، **توسعه پایدار**، چاپ نهم، تهران: سمت.
- زاهدی، شمس السادات (۱۳۹۵)، **توسعه پایدار جامع با تاکید بر مدیریت و کارآفرینی سبز**، چاپ اول، تهران: انتشارات علامه طباطبائی.
- زاهدی، ابراهیم پور، شمس السادات، حبیب (۱۳۹۱)، **حکمرانی مبتنی بر پایداری با تاکید بر حفاظت محیطی**، چاپ اول، تهران: نشر سمت.
- زاهدی، شیبانی، علی پور، محمد جواد، ملیحه، پروین (۱۳۸۸)، رابطه سرمایه اجتماعی بارفاه اجتماعی، **فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی**، ۸(۳۲)، ۱۳۰-۱۰۹
- سید موسوی، میرسجاد (۱۳۹۷)، **حق برخورداری از سلامت با رویکرد بر نظریه حق بر بالاترین سطح قابل حصول سلامت**، چاپ دوم، تیریز: انتشارات شروین.
- فرج پور، اعظم (۱۳۹۷)، **رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی**، چاپ اول، تهران: نشر جامعه شناسان و روش شناسان.
- فیتز پتریک، تونی (۱۳۸۵)، **نظریه های رفاه جدید**، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: انتشارات موسسه پژوهشی تامین اجتماعی.
- قاری سیدفاطمی، محمد (۱۳۸۹)، **حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق ها و آزادیها**، نوبت دوم، ویرایش اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- قاسمی، وحید، همکاران (۱۳۹۲)، تبیین رفاه اجتماعی و تاثیر آن بر احساس امنیت (مطالعه موردی شهر اصفهان)، **فصلنامه بر نامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، ۵(۱۷)، ۱۷۶-۱۳۱
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۵)، **گفتارهایی در حقوق عمومی**، تهران: نشر دادگستری
- کریون، متیوسی. آر (۱۳۸۷)، **چشم اندازی به توسعه میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی**، ترجمه حبیبی مجنده، محمد، چاپ اول، قم: نشر سازمان انتشارات دانشگاه مفید.
- گرجی ازندریانی، علی اکبر، طبری، حامد، میر محمد صادقی، مریم (۱۳۹۰)، تبعیض مثبت: تبعیض عادلانه یا درمان اثرات تبعیض، **مجله تحقیقات حقوقی**: ۱(۵۵)، ۳۶۳-۳۳۱
- گریفین کیت (۱۳۹۴)، **راهبردهای توسعه اقتصادی**، ترجمه راغفر، هاشمی، حسین، محمد حسین، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- لاگلین، مارتین (۱۳۹۵)، **مبانی حقوق عمومی**، ترجمه محمد راسخ، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- مجموعه مقالات مطالعات توسعه پایدار، سازمان همکاری اقتصادی (۱۳۹۱)، **نهادینه سازی توسعه پایدار**، ترجمه: کمالی، یحیی، چاپ اول، تهران: نشر سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

- موسی زاده، ابراهیم، فهیم، مصطفی زاده (۱۳۸۹)، بررسی مبانی حقوق اجتماعی، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۰(۲)، ۷۵-۴۹
- مومنی، فرشاده، امینی میلانی، مینو (۱۳۹۰)، توانمندی و توسعه پایدار در برنامه سوم و چهارم توسعه ایران با رویکرد آماریاسن، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۱(۴۲)، ۶۵-۳۷.
- میر عباسی، سیدباقر، رزی (۱۳۹۵)، جایگاه اصل توسعه پایدار در تحقق حق های بشری از منظر حقوق بین المللی، چاپ اول، تهران: ناشرانتشارات جنگل.
- نیاورانی، صابره، ایزدی، اکبر (۱۳۹۷)، جایگاه حق بر حداقل رفاه اجتماعی در نظام بین المللی حقوق بشر، نشریه حقوق بین المللی، ۵۹(۵۹)، ۲۰۴-۱۷۱.
- هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۰)، بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)، مجله جامعه شناسی کار بردی، ۲۲(۴۳)، ۶۲-۴۲.
- هزار جریبی، جعفر، صفری شالی، رضا (۱۳۹۰)، رفاه اجتماعی و عوامل موثر بر آن مطالعه موردی شهر تهران، مجله پژوهشی و برنامه ریزی شهری، ۲(۵)، ۲۲-۱.
- یزدانی، فرشید (۱۳۸۲)، مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی، رفاه و تامین اجتماعی)، فصلنامه رفاه اجتماعی ویژه سیاست اجتماعی، ۳(۱۰)، ۵۴-۳۱

- Brehm, Joan. (2003). Amenity Migration and Social Change; Expanding the Concept of Community Attachment and its Relationship to Dimensions of well- being in the Rural West Utah, Major professor: Richard Krannich: Utah state University, Department of Sociology, Doctor of Philosophy.
- Chelladurai, packianathan; and Shannon Kerwin. (2006). **Human Resource Management in Sport and Recreation**. Illinois: Human Kinetic.
- Gunneken, Van. Wouter, (2009), Social security and Global Socio Economic Floor: Towards a Human Rights- based Approach. [http:// www.Sage Pub. Co. UK. / Journals permission](http://www.Sage Pub. Co. UK. / Journals permission). Nav.vol. 9(2): pp 228; 245; 104677.
- Kaske, Edwin, (2005), Social security and older People: An African Perspective, **International social work 2005**, published by Sage.
- Michael Oakeshott, (1996), **The Politics of Faith and The Politics of Skepticism** [c.1952], Timo Thy Fuller Ed. New Haven: Yale University press.
- Shankar, Raja & Shah, Anwar. (2013). “**Lessons from European Union Policies for Regional Development**. Worldbank”; Policy Research Working Papers. <https://doi.org/10.1596/1813-9450-4977>.
- Tornblom, Kjelly; and Dan R Jonsson, (1985). “Sub Rules of the Equity and contribution principles: Their perceived Fairness in Distribution and Retribution.” **Social Psychology**, 48(3): pp249-261.

The Effect of Social Welfare on Sustainable Development from Public Law Perspective.

Babak Attai Sheikh¹, Abolfazl Ranjbari², Mohammad Mohammadzadeh Asl³, Mirsjad Seyed Mousavi⁴

Abstract

Sustainable Development with the aim of eliminating human needs and improving the quality of life, as a suitable format for an attitude towards the appropriate way of exploiting resources, with the element of continuity and sustainability, it is considered to provide the current human welfare without harming to the ability of future generations to achieve their welfare. In this category, public law as a rule of binding by clarifying the practice of governance and Establishing a legal order in providing social welfare, distributive justice, Creating the phenomenon of partnership between the government and society And environmental protection plays a role. The purpose of this research is to investigate social welfare in sustainable development from the perspective of public law. This research was done by library method and descriptive-analytical research and tried to answer this question of what is the order of social welfare rights on sustainable development and with what model can social welfare rights be raised in the dimensions of sustainable development?

In this study, Social Welfare rights in Sustainable Development comes from the immediate commitment of the government to provide minimum social welfare rights in a sustainable manner and the right of the public to freely choose to use primary goods and transform it into social welfare. With the adoption of legal measures, the cooperation of the government and society, the available conditions and facilities this commitment is increasing. This legal system in the sustainable development presents itself under the three-dimensional content model.

Key word: Social Welfare Rights, Sustainable Development, Public Law

¹ PhD student in Public Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

² Assistant Professor, Faculty Member, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Responsible author) a.ranjbari-1348@yahoo.com

³ Assistant Professor of Public Law, Department of Public Law, Tasuj Branch, Islamic Azad University, Tasuj, Iran

⁴ Associate Professor of Public Law, Department of Basic Sciences, Faculty of Paramedicine, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran